



به نام خدا

درس‌های نهادی یک استیضاح

رفاه در زمانه بحران

تحلیل رسانه‌های فارسی زبان

مرداد و شهریور ۱۳۹۷



موسسه مطالعات پژوهش‌های رسانه‌ای ایران



افتکارسنجی و نظرسنجی



گزارش تحلیلی شماره (۱)

درس‌های نهادی یک استیضاح

رفاه: در زمانه بحران

تحلیل رسانه‌های فارسی‌زبان مرداد و شهریور ۱۳۹۷

سرپرست تیم مجری طرح:

پیام حیدرقزوینی

تاریخ انتشار گزارش: ۹۷/۶/۳۱

| | |
|----|---|
| ۴ | مقدمه |
| ۷ | دلایل اهمیت رخدادهای برگزیده |
| ۹ | افزایش تورم و گسترش فقر |
| ۱۱ | بسته جدید ارزی: علیه رفاه عمومی |
| ۱۲ | کاهش قدرت خرید مزدبگیران: رویکرد تحلیلی |
| ۱۸ | پرولتریزه شدن طبقه متوسط |
| ۱۹ | ابعاد نهادی یک استیضاح |
| ۲۵ | استیضاح، تامین اجتماعی و حق کارگران بر شستا |
| ۲۸ | بحران تامین اجتماعی و شستا |
| ۲۸ | تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت: نمود یک تعارض |
| ۳۱ | شستا، کلیدواژه استیضاح |
| ۳۱ | پس از استیضاح: سازمان تامین اجتماعی و اختلافات دو وزارتخانه |
| ۳۷ | تفکیک وزارتخانه: مساله آونگی |
| ۴۰ | برخی توصیه‌های سیاستی و رسانه‌ای گزارش |
| ۴۱ | سرعت عمل و دقت در تصمیم‌گیری |
| ۴۱ | گفتگو با مردم و توجه به افکار عمومی در اتخاذ تصمیمات |
| ۴۲ | توجه به سه‌جانبه‌گرایی واقعی و استقلال سازمان |

مقدمه

اگر این امکان وجود داشت که بیرون از متن آنچه در جامعه ایران در حال وقوع است قرار بگیریم و با نگاهی کلی بین به وضعیت کنونی ایران نگاه کنیم؛ «هراس» احتمالاً اولین واژه‌ای می‌بود که برای توصیف این وضعیت به کار می‌بردیم. این هراس بیش از آنکه ناشی از اتفاقات و رخداد‌های موجود در جامعه کنونی‌مان باشند، ناشی از «سرعت» وقوع آنهاست. سرعتی که گاه حتی مجال یک «ارزیابی شتابزده» را هم نمی‌دهد. اگر چند دهه بعد قرار باشد تحلیلی از امروز ما به دست داده شود، تصویر ما به نمایشی کمیک همراه با پایانی تلخ می‌ماند که بی‌برنامگی و سردرگمی و تصمیمات لحظه‌ای ویژگی‌های اصلی آن هستند. امروز در جامعه ما هر خبری را می‌توان «خبر فوری» دانست و به همین دلیل هم هست که همه خبرهای فوری و به نوعی تمام خبرهایی که هر لحظه به سویمان هجوم می‌آورند ارزش خود را از دست داده‌اند و لحظه‌ای بعد به فراموشی سپرده می‌شوند و خبری دیگر جایشان را می‌گیرد. شاید تغییرات ساعت به ساعت نرخ ارز در چند ماه اخیر تمثیلی دقیق از سرعت وقوع اتفاقات گوناگون در وضعیت فعلی جامعه ما باشد. در چنین وضعیتی حتی مردم عادی نیز امکان برنامه‌ریزی برای زندگی روزمره‌شان را از دست داده‌اند چرا که هر روز با تغییری جدید که خارج از اراده آنها رخ می‌دهد روبرو هستند. در ماه‌های اخیر زندگی کارگران، کارمندان و به‌طور کلی مزدبگیران بیش از هر زمان دیگری با تغییرات مدام نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها دستخوش تغییر شده و نه تنها وضعیت معیشتی و سطح رفاه آنها تقلیل یافته بلکه سایه بیکاری بیش از پیش بر زندگی آنها سایه انداخته و این مسئله به جز تنگناهای معیشتی بخش زیادی از جامعه را به لحاظ روانی





با هراس مواجه ساخته است؛ هراس از مواجهه با این پرسش که وضعیت فعلی سرانجام به کجا خواهد رسید.

ماهی که گذشت، مردادماه، با حجمی انبوه از اتفاقاتی همراه بود که بسیاری‌شان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با حوزه‌های تامین اجتماعی، رفاه و سیاستگذاری اجتماعی مرتبط هستند.

استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی فرصتی چند روزه فراهم کرد تا هر کس از زاویه نگاه خود به مسایل مربوط به این حوزه نگاه کند و به همین دلیل خیلی از مسایل کهنه اما حل نشده دوباره مطرح شدند. استیضاح وزیر و حواشی مربوط به آن موضوعی است که در تمام قالب‌های مختلف رسانه‌ای بازتاب داشت و البته خیلی زود به دست فراموشی سپرده شد چرا که آن‌طور که اشاره شد، سرعت وقوع اتفاقات امکان بررسی دقیق موضوعات را از رسانه‌ها و افکار عمومی سلب کرده است؛ در حالی که اگر افشاگری‌های روز استیضاح وزیر در شرایطی دیگر رخ می‌داد رسانه‌ها فرصت بیشتری برای پرداختن به آن را داشتند.

موضوع دیگری که در مردادماه انعکاس زیادی در رسانه‌ها داشت، لایحه دوفوریتی دولت مبنی بر **تفکیک** وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی به دو وزارتخانه «**رفاه و تامین اجتماعی**» و «**کار و تعاون**» بود. لایحه‌ای که اگرچه در نهایت دوفوریت‌اش در مجلس رای نیاورد اما دست کم چند روزی بحث‌های مختلفی را در رسانه‌ها مطرح کرد.

اما یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که در ماه گذشته بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت موضوع **افزایش قیمت ارز و بسته جدیدی ارزی بانک مرکزی** بود. اگرچه این موضوع شاید به طور مستقیم ارتباطی با موضوع این گزارش نداشته باشد اما رد تأثیرش را می‌توان به طور غیرمستقیم بر حوزه رفاه و تامین اجتماعی پی گرفت.



همچنین در پی افزایش قیمت‌ها بحث افزایش دستمزدها موضوع دیگری بود که دوباره در رسانه‌ها مطرح شد و کارشناسان مختلف به ارایه نظراتشان در این مورد پرداختند.

بی‌شک موضوعات دیگری مثل بحران صندوق‌های بازنشستگی، حقوق معوقه کارگران و بازنشستگان، وضعیت دارو و هزینه‌های درمان، تعطیلی کارخانه‌ها، نرخ بیکاری و خط فقر نیز موضوعاتی هستند که هر یک به تنهایی از اهمیتی غیرقابل انکار برای جامعه برخوردارند. اما آن‌طور که از شرایط فعلی برمی‌آید، موضوعات فوق دامن‌دار خواهند بود و در ماه‌های آینده حتی به شکل بحرانی‌تری بروز خواهند کرد. از این‌رو و کوشیده‌ایم در این گزارش بر روی اتفاقاتی تمرکز کنیم که هم حایز اهمیت و بنیادی هستند و هم مختص به مردادماه بوده‌اند.

استیضاح علی‌ربیعی و موضوع تفکیک وزارتخانه دو مسئله‌ای هستند که مورد توجه تمام رسانه‌ها قرار داشتند و مستقیماً به سازمان تامین اجتماعی مربوط‌اند. آثار تورمی جهش قیمت ارز و بسته جدید ارزی نیز موضوعی است که تمام نهادها و بخش‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و سازمان تامین اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. همچنین شیوه طراحی بسته جدید ارزی دولت بر سطح رفاه و معیشت مردم موثر خواهد بود. از این‌رو در ادامه به بررسی دقیق‌تر این موضوعات از خلال رسانه‌ها پرداخته‌ایم.

دلایل اهمیت رخدادهای برگزیده

استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی پربسامدترین موضوع مربوط به این گزارش در مردادماه بود. خبر و گزارش جلسه استیضاح در صفحه اول تمام روزنامه‌های سیاسی روز ۱۸ مرداد دیده می‌شد و در این میان، اغلب روزنامه‌ها تیتیر یک یا عکس یک خود را به این موضوع اختصاص داده بودند. همچنین از چند روز پیش از استیضاح، روزنامه‌ها با انتشار یادداشت‌ها و گزارش‌هایی به تحلیل چرایی استیضاح پرداختند.



در روز استیضاح، تمام بخش‌های خبری صداوسیما در قالب گزارش‌های خبری به این موضوع پرداختند و همچنین پیش از جلسه استیضاح برنامه «پایش» شبکه ۱ سیما با احمد میدری، معاون وزیر، گفت‌وگو کرد و او در بخشی از این گفت‌وگو نظرش را درباره استیضاح بیان کرد.

خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری نیز به طور مفصل هم نظرات کارشناسان را بازتاب دادند و هم مشروح صحبت‌های نمایندگان مجلس در جلسه استیضاح را بازتاب دادند.

بیشترین واکنش در فضای مجازی بعد از جلسه استیضاح واکنش به افشاگری‌های این جلسه بود. «افشاگری»، «فساد»، «رشوه»، «آزاده» پر تکرارترین هشتگ‌هایی بود که در واکنش به جلسه استیضاح در فضای مجازی مورد استفاده قرار گرفتند. در جدول زیر می‌بینیم که غالب روزنامه‌ها، فردای روز استیضاح عکس یک یا تیتیر یک (یا هر دو) را به موضوع استیضاح اختصاص داده‌اند.

| بازتاب استيضاح در تیتراژ روزنامه‌های ۹۷/۵/۱۸ | بازتاب استيضاح در عکس روزنامه‌های ۹۷/۵/۱۸ |
|---|--|
| جام‌جم | شرق |
| افکار | دنیای اقتصاد |
| وطن‌امروز | افکار |
| خراسان | وطن‌امروز |
| آرمان | سیاست‌روز |
| ابتکار | جوان |
| ابرار | قدس |
| شهروند | اعتماد |
| | قانون |
| | مرم‌سالاری |
| | ابتکار |
| | ابرار |
| | شهروند |

انعکاس جلسه استيضاح وزير در صفحه اول روزنامه‌ها

در این روز روزنامه‌های کیهان، رسالت، همشهری، ایران، اطلاعات و هفت‌صبح نیز یکی از تیترهای صفحه‌های اول خود را به موضوع استيضاح اختصاص داده بودند. به جز گستره کمی اخبار و تحلیل‌های مربوط به استيضاح، این موضوع از این منظر هم حایز اهمیت بود که ارتباط سازمان تامین اجتماعی و شستا با وزارت کار باعث شد که هم در جلسه استيضاح و هم در فضای رسانه‌ها بارها به سازمان تامین اجتماعی اشاره شود.

بعد از ماجرای استيضاح وزیر، افزایش قیمت ارز و افزایش تورم موضوعی است که بیشترین واکنش را در رسانه‌ها در پی داشته اما آنچه این موضوع را به این گزارش مربوط می‌کند اثرات غیرمستقیمی است که در پی دارد: تاثیر تورم بر سطح رفاه مزدبگیران، تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری کارگران، بحران تامین اجتماعی به دلیل افزایش نرخ بیکاری.

لایحه دوفوریتی تفکیک وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی علاوه بر اینکه بازتاب زیادی خاصه در خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری داشت، این فرصت را هم فراهم کرد تا کارشناسان حوزه کار، رفاه، فعالین کارگری و نمایندگان مجلس به

اظهار نظر درباره وظایف مختلف این وزارتخانه و اولویت‌های اصلی آن بپردازند و به حوزه‌هایی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند اشاره کنند.

افزایش تورم و گسترش فقر

حدوداً پنج ماه از جهش تقریباً ۱۰ درصدی نرخ ارز رسمی و ۱۶۳ درصدی نرخ ارز آزاد می‌گذرد و آثار تورمی این مسئله امروز در سبد مصرفی جامعه واقعی غیرقابل انکار است. دولت با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی قصد داشت پوششی حمایتی برای سفره‌های مردم به وجود بیاورد اما احاطه بخش خصوصی در سیستم توزیع کالا عملاً نتیجه دیگری به بار آورده چراکه اقلام با ارز دولتی وارد می‌شوند اما در بازار به قیمت آزاد به فروش می‌رسند. طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، به ازای هر ده درصد افزایش نرخ ارز، دو درصد نرخ تورم و یک درصد تورم تولیدکننده رشد پیدا می‌کند. از این رو می‌توان امروز از تورم ۴۰ درصدی صحبت کرد. در این میان آنچه به موضوع بحث ما در این گزارش مربوط است، پاسخ به این پرسش است که این میزان رشد تورم از یک سو و رشد نقدینگی از سوی دیگر چه تأثیری بر زندگی اجتماعی و معیشتی و رفاه مردم خواهد داشت؟ همچنین پرسش کلیدی دیگر این است که افزایش هزینه‌های تولید چه تأثیری بر نیروی کار خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها هم دورنمایی از وضعیت طبقه کارگر و مزدبگیر به دست می‌دهد و هم ضرورت سیاستگذاری اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی افزایش نرخ ارز را «عمدتاً ناشی از توطئه دشمن» می‌داند اما بسیاری از منتقدین سیاست‌های حاکم اقتصادی، وضعیت کنونی بازار را محصول عملکرد دولت‌های پس از انقلاب می‌دانند. پرویز صداقت در مقاله‌ای با عنوان «سقوط ارزش ریال، تا کجا؟» بر این موضوع تأکید کرده و می‌نویسد:



«وضعیت کنونی بازار ارز حاصل مجموعه سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در سال‌های پس از انقلاب و به‌طور خاص دولت یازدهم و نیز آرایش طبقاتی

۱. «تحلیل تحولات اخیر اقتصاد ایران»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۷/۵/۳.

حاصل از اجرای بی‌وقفه‌ی سه دهه سیاست نولیبرالی اقتصادی و تقویت بخش مالی خصوصی در بطن یک فساد ساختاری بوده است^۱.

حال این پرسش مطرح است که سقوط ارزش پول ملی در کنار رشد نقدینگی در جامعه چه بخش‌هایی از جامعه را بیش از همه تحت‌تأثیر قرار داده است؟ صداقت در جایی دیگر از همین مقاله می‌نویسد:



«استمرار تورم کنونی با بینواسازی هرچه بیش‌تر مزدحقوق‌بگیران و تهی‌دستان، اقتصاد ایران را به مرز فروپاشی واقعی می‌کشاند. صحبت‌هایی مانند ایجاد بازار ثانویه ارز برای تعادل‌بخشی به این بازار بیش از هر چیز در خدمت منافع مالی بخش بزرگی از طبقات فرادست است که به‌ویژه در صناعی مانند پتروشیمی، معدنی، و مانند آن فعال‌اند و بدین ترتیب می‌توانند سود حاصل از صادرات احتمالی خود را به چندبرابر برسانند^۲».

به این اعتبار می‌توان گفت که بازنندگان اصلی شرایط فعلی کارگران و به‌طور کلی طبقات فرودست جامعه هستند. رشد سرسام‌آور نقدینگی از تابستان گذشته محسوس بود و در سه ماه پایانی آن سال و در پی کاهش نرخ سود، سپرده‌های بانکی به بازارهای مختلف روانه شدند و نه تنها تورم دورقمی پدید آمد بلکه به یک شرایط حاد و بحرانی انجامید. به‌طور کلی خلق نقدینگی در اقتصاد ایران را می‌توان یکی از سازوکارهای مهم در توزیع منافع طبقاتی به نفع «گروه‌ها و طبقات فرادست جامعه» دانست. بسته جدید ارزی دولت هم در عمل حرکت در همان مسیر قبلی است در حالی که اقتصاد ایران نشانه‌هایی ملموس از آنچه بحران «کنترل‌ناپذیری» نامیده می‌شود را بروز می‌دهد. این حجم از نقدینگی در اقتصاد ایران کار را به جایی رسانده که «حیات اجتماعی» ایران را درگیر خود کرده است^۳.

شرایط وخیم اقتصاد ایران در مردادماه کار را به جایی رساند که گروهی از اقتصاددانان در نامه‌ای به رییس‌جمهور هشدارهایی درباره وضعیت فعلی ارایه

۱. پرویز صداقت، «سقوط ارزش ریال، تا کجا؟»، ۲۰۱۸/۰۸/۱، سایت نقد اقتصاد سیاسی.

۲. همان.

۳. محمد مالجو، «دوره‌های ناگزیر در بازار پول: سلب مالکیت از چه کسانی؟»، ۲۰۱۸/۰۸/۰۶، سایت نقد اقتصاد سیاسی.

دادند. آنها ضمن هشدار درباره شکل‌گیری نوسرمايه‌داران در اقتصاد رفاقتی ایران نوشتند:



«اقتصاد ایران با یک بحران چندلایه و بسیار گسترده روبه‌روست که امکان رویارویی غیربرنامه‌ای و اقدامات جزئی‌نگر و جزیره‌ای با آن وجود ندارد و تنها به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده و فقط از مسیر یک برنامه متکی بر دانش و تجربه کارشناسان مستقل همراه با مشارکت فعال نهادهای مدنی قابل حل و فصل است»^۱.

این نامه به امضای چهره‌هایی چون حسین راغفر، محسن رنایی، کمال اطهاری، مرتضی افقه، سیدمحمد بحرینیان، غلامحسین حسن‌تاش، محمود ختائی، احسان سلطانی، عباس شاکری و حسن طائی رسیده است و در رسانه‌های مختلف منتشر شد.

بسته جدید ارزی: علیه رفاه عمومی

بانک مرکزی برای کنترل وضعیت اقتصادی بسته جدید ارزی خود را ارایه کرد که کانون آن، بازار ثانویه است که قرار است نرخ ارز بر مبنای توافق معامله‌گران در آن تعیین شود. ارز پتروشیمی‌ها و فولاد هم در همین بازار عرضه می‌شود. طبق گزارشی که خبرگزاری «فارس» داده است، برای اولین بار تصمیم‌گیری درباره بسته جدید ارزی در سطح سران نظام گرفته شده است.^۲ می‌توان گفت که بانک مرکزی در بسته جدید ارزی‌اش نیز بر اساس نظر طرفداران اقتصاد آزاد عمل کرده چرا که آنها همواره بر ارز تک‌نرخ و سپردن قیمت‌گذاری ارز به نظام عرضه و تقاضا تاکید داشته‌اند. در مقابل اما اقتصاددانان مدافع رفاه اجتماعی به شدت هشدار داده‌اند که آزادسازی نرخ ارز معیشت توده‌های مردم را متزلزل می‌کند و در نتیجه تبعات سنگین اجتماعی به بار می‌آورد. حسین راغفر از جمله منتقدان جدی وضعیت فعلی است که بارها نسبت به وضع موجود هشدار داده است. او بسته جدید ارزی را نیز در

۱. چالش‌ها و راه‌حل‌های اقتصاد ایران: نامه سرگشاده جمعی از اقتصاددانان به حسن روحانی، ۱۳۹۷/۵/۱۵، سایت فرارو.

۲. «تصمیم‌گیری درباره بسته جدید ارزی در سطح سران»، ۱۳۹۷/۵/۱۴، خبرگزاری فارس.

«تضاد با منافع عمومی» می‌داند.^۱ در این بین پرسشی که به ما مربوط است این است که آیا بسته جدید ارزی بانک مرکزی می‌تواند سطح رفاه و معیشت مردم را ارتقا دهد؟ پاسخ راغفر منفی است چرا که به اعتقاد او تولیدکنندگان بخش صنعت بیش از همه از بسته جدید ارزی آسیب می‌بینند و به طبع این مسئله بر رشد بیکاری و تعدیل کارگران و پرداخت نشدن حقوق آنها تأثیر خواهد گذاشت. در مقابل راغفر پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و سیمانی‌ها را برندگان اصلی بسته جدید ارزی می‌داند. یعنی کسانی که به گفته او «تاکنون انرژی ارزان دریافت کرده‌اند و اکنون حاضر نیستند ارز حاصل از صادرات خود را به قیمت دولتی تحویل بدهند. از منابع عمومی استفاده کرده‌اند و حالا از عرضه ارز خود طفره می‌روند. این نوعی سوءاستفاده است و متأسفانه سیاست‌گذاران پولی ما هم از اینها حمایت کرده‌اند تا آنها ارز خود را به بازار ثانویه بیاورند».^۲ به اعتقاد راغفر جهت‌گیری‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای منافع شرکت بزرگ خصوصیتی است:



«به نظر من یکی از مشکلات کنونی کشور در نگاه کلان به سیاست‌های اقتصادی کشور است که هم دولت و هم مجلس در آن دخیل است. امروز جهت‌گیری‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی باید معطوف به اقتصاد مردم‌نهاد و برای مردم باشد و نه اقتصادی که فقط در خدمت شرکت‌های بزرگ خصوصیتی و پرنفوذ است».^۳

کاهش قدرت خرید مزدبگیران: رویکرد تحلیلی

شوک تورمی در ماه‌های اخیر قدرت خرید دستمزدبگیران را در کمتر از چند ماه به وضعیتی بدتر از سال ۱۳۹۱ تقلیل داد و امروز می‌توان گفت که بخش زیادی از جمعیت به زیر خط فقر پرتاب شده‌اند. طبق اعلام اسماعیل گرجی‌پور دبیر کل بیمه‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۷۷

۱. حسین راغفر، «یارانه‌بگیران بدقلق»، ۹۷/۵/۱۵، روزنامه شرق.

۲. همان.

۳. حسین راغفر، «دولت اجرا و نظارت را به مردم بسپارد»، ۱۳۹۷/۵/۱۴، روزنامه اعتماد.

درصد متسمری بگيران زیر خط فقر هستند^۱. همچنین علی اصلانی، عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار، خط فقر را بالاتر از ۳٫۵ میلیون دانسته و گفته که بیمه بیکاری در حال نزدیک شدن به مبلغ بازنشستگی است؛ او با توجه به افزایش بیمه بیکاری وضعیت ازمان تأمین اجتماعی را «بسیار بد» توصیف کرده که دخل و خرجش در حال به مشکل خوردن است^۲. وضعیت فعلی سبب شده تا اعضای کارگری شورای عالی کار طرحی برای جبران عقب ماندگی دستمزد کارگران در شورای عالی کار مطرح کنند که با استقبال بخشی از فعالان کارگری هم روبرو شده است. مثلاً علی خدایی، نماینده کارگران در شورای عالی کار کشور، به ایجاد شکافی عمیق بین حداقل مزد و هزینه‌ها اشاره می‌کند و از ضرورت افزایش دستمزدها در مقطع کنونی می‌نویسد:



«بررسی‌ها و مطالعات ما در کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور که به صورت مقایسه‌ای بین دو مقطع هفته آخر دی‌ماه (هفته مورد مطالعه برای تعیین سبب معیشت در سال ۹۶) با هفته اول تیرماه ۹۷ انجام شد، حکایت از افزایش ۴۸٫۲ درصدی هزینه‌های خانوار دارد و هزینه‌های زندگی در ابتدای تیرماه سال ۹۷ با همان جدول مورد توافق کارفرمایان و دولت مبلغ سه میلیون و ۹۵۶ هزار تومان را نشان می‌دهد و این به این معنی است که درآمد یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومانی کارگران تنها قادر است ۳۴ درصد از نیازهای ماهانه یک خانوار را تأمین کند. همان‌گونه که در بالا اشاره کردم، در سال ۹۱ شکاف بین حداقل‌های زندگی و دستمزد به رقم ۶۳ درصد رسیده بود. ولی اکنون این شکاف ۶۶ درصد است و معنای این اعداد این است که نمره تمام تلاش‌های گروه‌های کارگری و دولت برای پر کردن شکاف از طریق افزایش قطره‌چکانی حداقل دستمزد بیشتر از نرخ تورم در پنج سال گذشته نه تنها از بین رفته است، بلکه به نقطه پایین‌تر از زمان آغاز بازگشته‌ایم و نباید از نظر دور داشت که مقطع هفته پایانی تیرماه نیز اوج تأثیر نوسانات بر معیشت مردم نبوده است و این روند ادامه دارد و قطعاً در حال حاضر وضعیت می‌تواند به مراتب بدتر از آمار ارائه شده باشد... هرگز

۱. اسماعیل گرچی پور، ۱۳۹۷/۵/۹، خبرگزاری فارس.

۲. علی اصلانی، ۱۳۹۷/۵/۸، خبرگزاری ایسنا.

نباید از نظر دور داشت که موضوع مطلب ما بیش از ۴۲ میلیون نفر یعنی بیش از نیمی از جمعیت کشور را در بر می‌گیرد و غفلت از مشکلات آنها می‌تواند باعث بروز مشکلاتی شود که قطعاً کل کشور از آن متأثر خواهد بود^۱.

وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان، ضمن اشاره به فاصله ایجاد شده میان دستمزدها و قیمت‌ها، نسبت به «فقل‌شدگی» بازار کار، بازار کالا و کل اقتصاد در آینده‌ای نزدیک هشدار داده و نوشته :



«درباره اثرات دلار ۱۰ هزار تومانی بر اقتصاد ایران پیش‌بینی من این است که در ماه‌های آینده شاهد فقل‌شدن بازار کالا خواهیم بود. منظور از فقل‌شدن بازار کالا این است که میانگین حقوق و دستمزد در بازار کار که در حال حاضر در حالت خوش‌بینانه بین دو تا ۲٫۵ میلیون تومان در ماه است، فاصله‌ای بسیار زیاد با کالاهایی خواهد داشت که با دلار ۱۰ هزار تومانی وارد یا تولید شده‌اند. این شکاف بزرگ بین دستمزد ریالی با کالاهای یادشده به معنی از دست‌رفتن قدرت خرید کالاها خواهد بود؛ بنابراین از یک سو بخش عظیمی از جامعه قدرت خرید کالاها را از دست خواهند داد و از سوی دیگر فروشندگان نیز برای فروش کالا ریسک نخواهند کرد. به این وضعیت به اصطلاح فقل‌شدگی بازار کالا می‌گوییم که در چند ماه آینده شاهد آن خواهیم بود. پس از آن پیش‌بینی می‌کنم که این فقل‌شدگی در بازار کالا به فقل‌شدگی در بازار کار نیز بینجامد؛ یعنی افزایش حقوق ۱۰ تا ۲۰ درصدی حقوق‌بگیران در سال جاری بسیار کمتر از افزایش هزینه‌های تجهیزات، ماشین‌آلات و استهلاک خواهد بود. شکاف عمیقی که بین حقوق و دستمزد ماهانه نیروی کار و هزینه‌های تجهیزات، ماشین‌آلات و استهلاک رخ خواهد داد، باعث انصراف نیروی کار از بازار کار خواهد شد. برای مثال یک راننده که در حال حاضر روزانه ۱۵۰ هزار تومان درآمد دارد، به دلیل افزایش قیمت خودرو، افزایش قیمت لوازم بدکی و هزینه‌های جانبی شغل خود متوجه خواهد شد که نسبت درآمزش از شغلش، بسیار کمتر از هزینه‌های آن است و به این ترتیب نتیجه خواهد گرفت که به اصطلاح «نمی‌صرفد» خودروی خود را از خانه بیرون بیاورد و متحمل هزینه‌هایی شود که بیشتر از درآمد اوست.

۱. علی‌خدایی، «لزوم افزایش فوری دستمزدها»، ۱۳۹۷/۵/۱۴، روزنامه شرق.

این مثال در واقع وضعیتی است که برای بسیاری از مشاغل دیگر نیز مصداق خواهد داشت و بنابراین برخی مشاغل مجبور خواهند شد از کار دست بکشند. به این وضعیت قفل‌شدگی در بازار کار می‌گوییم. قفل‌شدگی دو بازار کالا و کار در عمل منجر به قفل‌شدگی اقتصاد ایران خواهد شد. به عبارت ساده‌تر اقتصاد ایران کشش تحمل دلار بالای ۱۰ هزار تومان را ندارد^۱».

ناگفته پیداست که قفل‌شدگی بازار کار، سازمان تأمین اجتماعی را با چه بحرانی عمیقی روبرو خواهد کرد. همچنین یکی از پژوهشگران حقوق کار و تأمین اجتماعی نیز از منظر دیگری به ضرورت واقعی کردن دستمزد کارگران اشاره کرده و نوشته:



«امروز ضرورت تعیین دستمزد منصفانه به اندازه‌ای که کفاف زندگی کارگر و خانواده‌اش را بدهد، دیگر یک اصل انتزاعی برآمده از مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار نیست بلکه ضرورتی عینی برای جلوگیری از بیچارگی فرودستان مزدبگیر است. با روند اتخاذشده در این سال‌ها، جنبه‌های اقتصادی «دستمزد اسمی» بر جنبه‌های اجتماعی «دستمزد واقعی» تفوق داشته، حتی توجه بیشتر به فاکتور «سبب معیشت» در کنار فاکتور نرخ تورم در سال‌های اخیر هم نتوانسته زندگی یک خانواده کارگری را از طریق دستمزد تأمین کند^۲».

رادیو زمانه در گزارشی با اشاره به افزایش نرخ تورم در ماه‌های اخیر از خطر «فروپاشی خانواده‌های کارگری» در صورت عدم بازنگری در حداقل مزد نوشته و آورده:



«براساس داده‌های مرکز آمار ایران که دوم مرداد منتشر شد، نرخ تورم شهری خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در دوازده‌ماه منتهی به تیر ۱۳۹۷ به ۱۱ درصد رسیده که نسبت به تورم ماه قبل آن سه دهم درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین نرخ تورم شهری کالاهای غیرخوراکی و خدمات تیرماه به ۸ درصد رسید که نسبت به ماه پیش از آن ۰.۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. برخی کارشناسان نرخ تورم را بیش از این ارزیابی کرده‌اند. استیو هانکه، استاد اقتصاد دانشگاه جان هاپکینز چندی پیش در تویتر خود

۱. وحید شقاقی شهری، «اصلاحات اساسی پیش از قفل شدن اقتصاد»، ۱۳۹۷/۵/۱۵، روزنامه شرق.

۲. فرشاد اسماعیلی، «افزایش دستمزد اسمی برای رسیدن به دستمزد واقعی»، ۱۳۹۷/۵/۱۵، روزنامه شرق.

نرخ تورم ایران در ابتدای ژوئن / اواسط خرداد امسال را ۷۸,۵۵ درصد تخمین زد؛ یعنی ۱۰ برابر نرخ اعلام شده آن به صورت رسمی^۱.

رادیو زمانه ۱۰ مردادماه نیز از قول کمال اطهاری نوشته بود که بهای مسکن به ۱۲ برابر در آمد سالانه خانوار رسیده است.^۲ هفته نامه «آتیه نو» نیز در گزارشی با عنوان «مسکن از دسترس کم درآمدها دورتر شد» به این موضوع اشاره کرده که در شرایط فعلی خانه دار شدن برای قشر متوسط به پایین رویایی دست نیافتنی می نماید.^۳

البته در مقابل برخی اقتصاددانان نیز نظری متفاوت دارند و بر وجه دیگر ماجرا تاکید دارند. برای مثال فریبرز رییس دانا در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا با عنوان «باید سودهای نجومی سرمایه داران را کنترل کرد»، به مخالفت با طرح افزایش دستمزد کارگران پرداخته است. به اعتقاد رییس دانا، سقوط قدرت خرید کارگران و فاصله میان دستمزد و بازار به یکباره اتفاق نیافتاده که با یک «درمان استعلاجی» حل شود:



«ما در علم اقتصاد پدیده‌ای به نام ماریپیج حلزونی داریم. قیمت‌ها و دستمزدها وقتی در این تله اقتصادی قرار می‌گیرند؛ پس از افزایش قیمت‌ها دستمزدها نارسا می‌شوند. دستمزدها آن وقت به صورت واقعی پایین می‌آید. سپس پوششی صورت می‌گیرد تا دستمزدها در همان حد یا کمتر افزایش پیدا کنند. این افزایش دستمزدها روی قیمت‌ها اثر گذاشته و باعث افزایش آن می‌شود. این سیکل ماریپیچی به همین شکل ادامه پیدا خواهد کرد»^۴.

رییس دانا معتقد است که افزایش دستمزدها به رسمیت شناختن «بی‌تعادلی در بازار داخلی کشور» است و همیشه به این عدم تعادل دامن زده می‌شود. در این میان احمد میدری، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در برنامه پایش صداوسیما از طرح این وزارتخانه برای حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد گفت و مشخصاً به کالا کارت اشاره کرد:

۱. «در حداقل مزد بازنگری نشود خانواده‌های کارگری فرومی‌باشند»، ۱۳۹۷/۵/۲۳، رادیو زمانه.

۲. کمال اطهاری، ۱۳۹۷/۵/۱۰، رادیو زمانه.

۳. «مسکن از دسترس کم‌درآمدها دورتر شد»، ۱۳۹۷/۵/۲۸، هفته نامه آتیه نو، شماره ۱۶۵.

۴. فریبرز رییس دانا، «باید سودهای نجومی سرمایه داران را کنترل کرد»، ۱۳۹۷/۵/۲۶، خبرگزاری ایلنا.



« در دو سه هفته گذشته جلسات متعددی با بانک مرکزی داشتیم به این ترتیب که همان کارت بانکی که افراد دارند با آن یارانه می گیرند را به کالا کارت تبدیل کنیم، افراد با مراجعه به فروشگاه کارت خود را در دستگاه می کشند و سهمیه کالایی آن که شامل کالاهای اساسی نوشته شده و فرد می تواند اقلام اساسی خود را تامین کند^۱».



معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در برنامه پایش، پیش از جلسه استیضاح وزیر

- فاصله زیاد میان متوسط دستمزدها با قیمت‌های بازار موجب قفل‌شدگی بازار کالا و بازار کار و در نهایت قفل‌شدگی کل اقتصاد خواهد شد.
- حداقل مزد تنها ۳۴ درصد نیازهای خانوار را تامین می‌کند و این مسئله تبعات وخیم اجتماعی به بار خواهد داشت.
- افزایش دستمزدها در وضعیت کنونی نه اصلی انتزاعی بلکه ضرورتی عینی برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌های کارگری است.

موافقان

۱. احمد میدری، ۱۳۹۷/۵/۱۴، برنامه پایش شبکه ۱ سیما.

- افزایش دستمزدها تنها یک درمان استعلاجی است نه واقعی و همیشگی.
 - افزایش دستمزدها تله اقتصادی است که مجددا منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود و این سیکل بسته به صورت یک مارپیچ حلزونی ادامه می‌یابد.
 - افزایش دستمزدها به رسمیت شناختن بی‌تعدالی در بازار داخلی کشور است.

نظرات موافقان و مخالفان افزایش دستمزدها

پرولتریزه شدن طبقه متوسط

بر اساس آنچه کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند تا پایان امسال ما با تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی روبرو خواهیم بود و در این شرایط این فقط حداقلی‌بگیران نیستند که آسیب اساسی می‌بینند بلکه بخش مهمی از طبقه متوسط نیز به زیر خطر فقر سقوط می‌کند. سه حوزه حیاتی مسکن، امنیت غذایی و اشتغال و به‌طور کلی سطح رفاه جامعه مستقیماً تحت‌تأثیر رشد تورم قرار دارند. از سوی دیگر با افزایش تورم تولیدکننده، اولین و ساده‌ترین راه برای کارفرمایان کاهش هزینه نیروهای انسانی و تعدیل کارگران است. رضا امیدی درباره تأثیر این شرایط بر زندگی طبقات فرودست اجتماعی و طبقه متوسط می‌گوید:



«اتفاقی که در این روزها درک می‌کنیم این است که فشار تورمی در حوزه معیشتی متمرکز شده و مواد غذایی، لبنیات و مسکن با افزایش قیمت قابل توجهی مواجه بوده و این شرایط در حالی به وجود آمده که به‌هیچ‌عنوان متناسب با افزایش درآمد نبوده است. بنابراین طبیعی است که قدرت خرید بخش قابل توجهی از مردم کاهش پیدا می‌کند... زمانی افزایش تورم همراه با سرمایه‌گذاری و افزایش تولید است، اما اکنون ما با تورم رکودی روبه‌رو هستیم. می‌توان پیش‌بینی کرد، در چنین شرایطی جمعیت زیر خط فقر افزایش پیدا می‌کند. مسئله دیگر این است که طبقات پایین نرخ بالاتری از تورم را تجربه می‌کنند؛ طبقات پایین از آنجا که عمدتاً هزینه‌هایشان متمرکز بر هزینه‌های خوراکی و مسکن است، حدود ۱۰ درصد تورم بالاتری را نسبت به تورم میانگین تجربه می‌کنند. بنابراین در اینجا خطر سقوط افراد بالای خط فقر به زیر خط فقر به دلیل کسری دخل و خرج جدی است.

موضوع مهم دیگر بحث حداقل دستمزد است. در پنج‌ماهه امسال کارگران حداقل‌بگیر و بازنشستگان بخش قابل توجهی از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. پس در وضعیت خاصی هستیم که جهش قیمتی بخش زیادی از جامعه را درگیر مسائل معیشتی می‌کند. محتوای اعتراضی شهرهای مختلف کشور هم همین نکته را تأیید می‌کند. اعتراضاتی که هر روز کم یا زیاد شاهد آن هستیم، عمدتاً حول نارضایتی‌های معیشتی و در اعتراض به گرانی رکود است. بنابراین باید متوجه بود که تحولات اقتصادی و تحولات اجتماعی تأثیر هم‌افزایی بر یکدیگر می‌گذارند... اگر زمانی هزینه تولید افزایش پیدا می‌کند و هم‌زمان با آن قدرت خرید و تقاضا هم افزایش پیدا کند، می‌توان افزایش تورم تولیدکننده را بدون کاهش هزینه‌های نیروی انسانی حل کرد، اما اکنون مصرف و قدرت خرید جامعه در حال کاهش است و قیمت تمام‌شده هم افزایش پیدا کرده، پس اگر سیاست حمایتی ویژه‌ای ایجاد نشود، افزایش نرخ بی‌کاری طبیعی است؛ به‌عنوان مثال سالانه بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در پروژه‌های پیمانکاری بی‌کار می‌شوند و این خیل بی‌کاران نارضایتی عمومی و اعتراضات را گسترده‌تر می‌کند^۱.

آن‌طور که امیدی نیز اشاره می‌کند، امروز «نارضایتی عمومی» را هم می‌توان در اعتراضات خیابانی مشاهده کرد و هم در اعتراضات کارگری که بُعدی وسیع‌تر یافته و در همین مردادماه تعطیلی کارخانه «تولی‌پرس» و بیکاری کارگرانش یکی از تازه‌ترین موارد اعتراضات کارگری بود که مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفت^۲. سقوط بخشی از طبقه متوسط به زیر خط فقر از یک‌سو می‌تواند دامنه اعتراضات اخیر را گسترده‌تر کند و از سوی دیگر به رشد حاشیه‌نشینی و مهاجرت به حاشیه‌شهرها منجر شود.

ابعاد نهادی یک استیضاح

در پی تلاطمات اقتصادی ماه‌های اخیر، نگاه‌ها متوجه برنامه‌ریزان شد و با بحرانی‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور و همچنین شکل‌گیری اعتراضات خیابانی، بحث سلسله استیضاح وزرای اقتصادی مطرح شد. استیضاح‌ها با وزیر

۱. رضا امیدی، ۱۳/۵/۱۳۹۷، روزنامه شرق.

۲. «درهای تولی‌پرس بسته شد»، ۲۸/۵/۱۳۹۷، روزنامه شرق.

تعاون، کار و رفاه اجتماعی آغاز شد و اگرچه در ابتدا ربیعی از دلایل استیضاح خود اظهار بی‌اطلاعی کرد و در توئیتر خود نوشت: «در ۷ ماه دوبار از مجلس رای گرفتم. دوباره استیضاح می‌شوم در حالی که حق دفاع در کمیسیون را نداشتم و مستقیم به صحن آورده شدم»؛ اما شروق در روز ۱۴ مرداد به نقل از رییس دفتر سیاسی و سخنگوی حزب اسلامی کار، «عدم اصلاح ساختار وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی» را مهم‌ترین عامل استیضاح دوباره ربیعی دانست.^۱ همچنین بشیر خالقی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس هم به روزنامه صبح‌نو گفت: «عده‌ای از نماینده‌های مجلس از عملکرد آقای ربیعی نسبت به برنامه‌ای که ارایه کرده بود، ناراضی‌اند و معتقدند وزیر طبق برنامه پیش نرفته و تخلف از برنامه دارد.»^۲ با این حال معاون رفاه ربیعی، احمد میدری، پانزدهم مردادماه در برنامه «پایش» شبکه اول صداوسیما استیضاح ربیعی را تعجب‌آور نامید و گفت: «نمی‌دانم در چند ماه گذشته چه اتفاقی در اقتصاد افتاده که مقصرش وزارت کار بوده که حال مجلس باز آقای ربیعی را برای پاسخگویی و استیضاح به مجلس فراخوانده است.»^۳

پیش از جلسه استیضاح ربیعی، برخی از رسانه‌های اصلاح‌طلب یا نزدیک به اصلاح‌طلبان در بعدی وسیع به حمایت از ربیعی پرداختند که در این میان عملکرد خبرگزاری کار، ایلنا، که نزدیک به خانه کارگر است بیش از دیگر رسانه‌ها ملموس بود. مروری بر تیترب برخی گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی که پیش از استیضاح ربیعی در ایلنا منتشر شد گویای حمایت تمام‌قد رسانه‌ای از ربیعی است. ایلنا در ظرف چند روز تقریباً با هر کسی که امکانش بود مصاحبه کرد و فصل مشترک این مصاحبه‌ها این بود که ربیعی مقصر شرایط موجود اقتصادی نیست.

این حجم دفاع از ربیعی در ایلنا موضوعی بود که در شبکه‌های اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفت و برخی کاربران توئیتر با «#خبرگزاری وزیر کار ایران» به عملکرد ایلنا واکنش نشان دادند. در روز استیضاح ربیعی یکی از کاربران توئیتر نوشته بود: «خبرگزاری ایلنا از ساعت ۸ تا ۸/۳۰ صبح امروز هفت مصاحبه در دفاع از ربیعی و انتقاد از استیضاح او منتشر کرده. گرچه حالا و در این شرایط

۱. «آغاز استیضاح‌ها با ربیعی»، ۱۳۹۷/۵/۱۴، روزنامه شروق.

۲. بشیر خالقی، ۱۳۹۷/۵/۱۴، روزنامه صبح‌نو.

۳. احمد میدری، ۱۳۹۷/۵/۱۴، برنامه پایش شبکه ۱ سیما.

دیگر رفتن این و آن وزیر دردی را دوا نمی‌کند اما آیا وظیفه خبرگزاری کار دفاع از وزیر کار است یا کارگران؟».

به جز ایلنا، دیگر رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز به حمایت از ربیعی پرداختند. صفحه اول یک روزنامه را می‌توان مهم‌ترین صفحه آن دانست که معمولاً به چند یادداشت اختصاص دارد و نویسندگان این یادداشت‌ها غالباً کسانی هستند که با سیاست‌های روزنامه همخوانی دارند. روزنامه‌های شرق، اعتماد و آرمان پیش و پس از استیضاح ربیعی، یادداشت‌هایی در نقد استیضاح او منتشر کردند. در یکی از آنها، محمد فاضلی، در یادداشتی استیضاح دوباره ربیعی را در فاصله‌ای چندماهه عجیب و غیرکارشناسی دانست.^۱ شرق دو روز بعد، ۱۵ مردادماه، یادداشت دیگری در مخالفت با استیضاح ربیعی به چاپ رساند. روزه کردونی در یادداشتی با عنوان «استیضاح، تحریم و استقامت ملی» که در صفحه اول شرق منتشر شده بود به مخالفت نخبگان با استیضاح ربیعی اشاره کرده بود و در جایی از مطلبش نوشته بود: «باید توجه داشت هرگونه تزلزل در وزارتخانه‌هایی که مسئولیت حفاظت اجتماعی از مردم را برعهده دارند، اجرای بی‌وقفه سیاست‌های مؤثر، هدفمند و متمرکز در حوزه رفاه و اشتغال را دچار آسیب می‌کند.»^۲ روزنامه آرمان فردای استیضاح ربیعی، یادداشتی از داریوش قنبری با عنوان «استیضاح یا تسویه حساب سیاسی» به چاپ رساند که از عنوانش هم برمی‌آید که در مخالفت با استیضاح ربیعی نوشته شده است.^۳ هفته‌نامه «آینه‌نو» نیز بخش اعظمی از شماره ۱۶۳ خود را به دفاع از ربیعی و عملکرد او اختصاص داد و گفتگویی کوتاه نیز با او در همین شماره‌اش با عنوان «تاب‌آوری اجتماعی را تقویت کنیم» منتشر کرد.^۴ روزنامه کار و کارگر نیز یک‌روز پیش از استیضاح ربیعی یادداشتی از علی سرزعیم با تیتراژ «نقدی بر استیضاح ربیعی و سوال از رییس‌جمهور» به چاپ رساند که آن‌طور که از عنوان مطلب هم برمی‌آید در مخالفت با استیضاح ربیعی نوشته شده بود. سرزعیم در جایی از یادداشتش نوشته:

۱. محمد فاضلی، «استیضاح نه، قوانین را اصلاح کنید»، ۱۳/۵/۱۳۹۷، روزنامه شرق.

۲. روزه کردونی، «استیضاح، تحریم و استقامت ملی»، ۱۵/۵/۱۳۹۷، روزنامه شرق.

۳. داریوش قنبری، «استیضاح یا تسویه حساب سیاسی»، ۱۸/۵/۱۳۹۷، روزنامه آرمان.

۴. هفته‌نامه آینه‌نو، ۱۴/۵/۱۳۹۷، شماره ۱۶۳.

«عجیب است که در این گیرودار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که هیچ مسئولیتی در قبال سیاست ارزی، پولی و مالی نداشته به مسلخ استیضاح کشانده می‌شود و شائبه سیاسی بودن یا غرض‌ورزی برخی چهره‌های سیاسی را به ذهن متبادر می‌کند»^۱.

رسانه‌های اصولگرا و منتقد دولت نیز اگر چه بعد از استیضاح ربیعی از برکناری او خرسند بودند اما تا پیش از جلسه استیضاح نظرات موافق و مخالفان ربیعی را پوشش دادند. مثلا خبرگزاری فارس گفتگویی با ولی‌الله صالحی، مشاور کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، منتشر کرد که در بخشی از آن آمده بود که «ریشه مشکلات جامعه کارگری، به یک شخص و یک مدیر بازمی‌گردد»^۲. اما در این بین کانال تلگرامی سیاست‌گذاری اجتماعی در یادداشتی به انتقاد از ربیعی پرداخت و البته این انتقاد کاملا متفاوت از موضع‌گیری‌های رسانه‌های اصولگرا بود چراکه این انتقاد سویه‌ای غیرسیاسی و دغدغ‌های کارشناسانه داشت. در بخشی از این یادداشت آمده بود:

«بسیاری از دغدغه‌داران حوزه اجتماعی این روزها بار دیگر بر انتخاب میان بد و بدتر و حمایت از ربیعی تاکید دارند؛ در حالی که ابقای بد در دولتی که خود با توسل به نمایش بدتر از خود، پیروز انتخاب بوده است، نتیجه‌ای جز چیرگی و تداوم فضای رخوت ندارد»^۳.

در جریان استیضاح ربیعی سه نوع واکنش متفاوت در میان رسانه‌ها را می‌توان دسته‌بندی کرد. نوع اول مربوط به رسانه‌های اصلاح‌طلب بود که مخالف استیضاح بودند و آن را مسئله‌ای سیاسی می‌دانستند که پیش‌تر نمونه‌هایی از آنها آورده شد. دسته دوم فضای شبکه‌های مجازی بود که در آن جدا از دفاع یا نقد ربیعی غالبا بر روی موضوعاتی مثل بحران صندوق‌های بازنشستگی، اعتصابات کارگران، بیکاری جوانان، استقلال سازمان تامین اجتماعی و.. تاکید

۱. علی سرزعی، ۱۳۹۷/۵/۱۷، روزنامه کاروکارگر.

۲. ولی‌الله صالحی، آیا با استیضاح وزیر کار مشکلات جامعه کارگری حل می‌شود؟، ۱۳۹۷/۵/۶، خبرگزاری فارس.

۳. کانال تلگرامی سیاست‌گذاری اجتماعی.

می‌شد و رویکردی انتقادی نسبت به وزارت کار داشتند. دسته سوم هم برخی از رسانه‌های اصولگرا بودند که اگرچه موافق ربیعی نبودند اما استیضاح او را اولویت اصلی تغییرات در تیم اقتصادی دولت نمی‌دانستند. برای مثال پیش از جلسه استیضاح روزنامه کیهان، سایت الف و جهان‌نیوز با انتشار متنی مشابه استیضاح ربیعی را ردگم‌کنی دانستند. کیهان ۱۶ مردادماه در یادداشتی که در بخش «خبر ویژه» این روزنامه به چاپ رسید به نقل از الف نوشت:



«استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه، آدرس غلط درباره مشکلات اقتصادی و در حاشیه انداختن وزارتخانه‌های اقتصادی دولت است که این روزها باید درباره مشکلات بازار ارز و سکه و خودرو پاسخگو باشند»^۱.

با این حال روزنامه کیهان فردای استیضاح ربیعی، تنها در گوشه‌ای از صفحه اول خود به برکناری ربیعی اشاره کرد اگرچه می‌توان گفت که رسانه‌های اصولگرا در نهایت از برکناری ربیعی استقبال کردند. فردای استیضاح، این روزنامه جوان بود که شادی‌اش از استیضاح ربیعی را به اندازه عکس یک و تیتیر یک روزنامه‌اش بروز داد. جوان با تیتیر «کار روحانی را مجلس کرد» از برکناری ربیعی استقبال کرد و همچنین خواستار تغییر تیم اقتصادی دولت شد:



«علی ربیعی، وزیر کار، رفاه و تأمین اجتماعی به‌رغم لابی‌های گسترده و چندلایه، نتوانست رأی مثبت نمایندگان برای ادامه کار خود را کسب کند تا این گزینه تقویت شود که گویی مجلس تصمیم گرفته است، در غیاب اراده دولت، تغییر کابینه را به دوش بکشد»^۲.

در جلسه استیضاح ربیعی حواشی بر اصل ماجرا چیره بود و نتیجه آن برای افکار عمومی جامعه چیزی جز «بگم، بگم‌های» معروف نبود. روزنامه اعتماد در گزارشی به روایت جلسه استیضاح ربیعی پرداخت و این جلسه را «استیضاحی تاریخی» نامید. در گزارش اعتماد از تعابری مثل «روز سیاه مجلس» و «استیضاح سه قوه» استفاده شده که نشان‌گر وضعیت جلسه استیضاح است.^۳

۱. «حاشیه امنیت استیضاح سرکاری برای وزیران اقتصادی مسئول»، ۱۳۹۷/۵/۱۶، روزنامه کیهان.

۲. «کار روحانی را مجلس کرد»، ۱۳۹۷/۵/۱۷، روزنامه جوان

۳. «تلخ‌تر از استیضاح»، ۱۳۹۷/۵/۱، روزنامه اعتماد.

روزنامه دنیای اقتصاد نیز در گزارشش از تعبیر «کلیدواژه فساد» برای توصیف جلسه استیضاح استفاده کرد. دنیای اقتصاد اتهامات این جلسه را در سه محور دسته‌بندی کرده بود: «اتهام به علی ربیعی مبنی بر اینکه برای کسب رای اعتماد به برخی نمایندگان امتیاز و پول داده است»، «اتهام به مخالفان استیضاح که از وزیر امتیاز و پول دریافت کرده‌اند» و «اتهام به متقاضیان استیضاح مبنی بر اینکه از وزیر امتیاز خواسته‌اند.»^۱



۱. «کارت قرمز مجلس به ربیعی»، ۱۳۹۷/۵/۱۸، روزنامه دنیای اقتصاد.

به این ترتیب جلسه علنی هفدهم مردادماه مجلس یکی از عجیب‌ترین جلسه‌های علنی مجلس شورای اسلامی بود و در جریان استيضاح ربیعی، «شستا» محوریت بحث‌های مطرح شده بود. استيضاح ربیعی به جلسه‌ای برای افشاگری‌های نمایندگان و وزیر علیه یکدیگر و همچنین سخنرانی‌های غالباً شعارگونه نمایندگان برای بیکاری جوانان و وضعیت نابه‌سامان بازنشستگان تبدیل شد.

استيضاح، تامین اجتماعی و حق کارگران بر شستا

با این حال آنچه در این میان مغفول بود نکته‌ای است که می‌توان در گزارش روزنامه شرق با عنوان «شستا چگونه به شاه‌کلید استيضاح ربیعی تبدیل شد» مشاهده کرد که یکی از جامع‌ترین گزارش‌هایی بود که بعد از استيضاح ربیعی نوشته شد:



«هیچ‌کدام از این نمایندگان خیرخواه حاضر نشدند به این نکته مهم اشاره کنند که اگر قوانین جدی گرفته می‌شد و حق کارگران اهمیت داشت، اصلاً وزیر کار امکان مدیریت بر تأمین اجتماعی و شستا را نمی‌یافت که بخواهد برای عملکردش در آن پاسخ‌گو باشد. استقلال تأمین اجتماعی حلقه مفقوده سخنان سخنوران مجلس در روز گذشته بود تا نشان دهد آنچه محل دواست سهم افراد و جریان‌های سیاسی از سفره تأمین اجتماعی است و گرنه کسی تمایلی به جمع‌آوری این سفره ندارد.^۱»

از چند روز پیش از استيضاح ربیعی بحث‌های مختلفی درباره لابی‌گری‌های او از یک‌سو و توقعات نابه‌جای برخی نمایندگان مطرح بود و در روز استيضاح نیز این بحث‌ها در قالب افشاگری‌های دو طرف علیه یکدیگر بالا گرفت. با این حال آنچه در استيضاح ربیعی اهمیت داشت توجه دوباره برخی رسانه‌ها به ضرورت استقلال تأمین اجتماعی بود. مثلاً در بخشی دیگر از همین گزارش روزنامه شرق می‌خوانیم:

۱. «شستا چگونه به شاه‌کلید استيضاح ربیعی تبدیل شد»، ۱۳۹۷/۵/۱۸، روزنامه شرق.



« سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور اگرچه بر اساس قانون، سازمانی غیردولتی است، اما با تغییراتی که در دولت احمدی‌نژاد در قوانین کشور رخ داد و در دولت فعلی نیز مورد رضایت و تأیید است، در اختیار کامل دولت قرار دارد و امکان نظارت و تصمیم‌گیری درباره آن منحصرًا در اختیار نمایندگان منصوب دولت و وزیر کار است. اولین و مهم‌ترین آسیب عدم استقلال این سازمان بزرگ از دولت، نفوذ فسادهای جاری در بدنه دولت‌های مختلف به این سازمان و البته تضییع حقوق کارگران این سازمان در تمامی تقابل‌ها و تعارضات منافع مابین تأمین اجتماعی و دولت بوده است. در چنین شرایطی شستا از همان ابتدای تأسیسش در دهه ۶۰ محل تاخت‌وتاز سیاسیون و وابستگان به آنها بوده است. همین حضور پررنگ چهره‌های غیراقتصادی در رأس مدیریت شرکت‌های اقتصادی در طول سه دهه گذشته بسیاری از شرکت‌های تأمین اجتماعی را به ورشکستگی کشانده و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، امکان دفاع از منافع این سازمان در مقابل دولت را نیز گرفته است. منافع اقتصادی حضور در هیئت‌مدیره این شرکت‌ها که سود سالانه بعضی از آنها خصوصاً در حوزه نفت و گاز و معدن، بالغ بر هزاران میلیارد تومان است، تا آن اندازه شیرین است که می‌تواند هم‌زمان باعث اتحادهای عجیب و غریب و جدل‌های غیرقابل‌انتظار باشد؛ چه آنجا که وابستگان و نمایندگان سیاسیون هر دو جناح در هیئت‌مدیره این شرکت‌ها در کمال آرامش و خوشی به خدمت مشغول می‌شوند و چه آنجا که چهره‌هایی از یک جناح سیاسی نیز برای کسب یک صندلی بیشتر در شستا در مقابل هم قرار می‌گیرند و گریبان‌چاک می‌کنند. در این بین مانند آنچه روز گذشته در مجلس رخ داد، اگرچه از حق مردم سخن رانده می‌شود، اما در نهایت هیچ‌کدام از این چهره‌های نگران حق مردم حاضر نیستند به ریشه و علت‌العلل فسادها اشاره کنند و شستا و تأمین اجتماعی را به صاحبان اصلی آن بازگردانند^۱».

در میان رسانه‌های اصولگرا، این خبرگزاری تسنیم بود که در یادداشتی با عنوان «ریبعی رفت، با میراث ربیعی چه کنیم؟»، کوشید تا به تحلیل شرایط

۱. همان.

سازمان تامین اجتماعی و شستا بپردازد. در بخشی از این گزارش به توافقی میان دولت و سازمان تامین اجتماعی اشاره شده و آمده:

«بررسی داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی به ۱۸۰ هزار میلیارد تومان رسیده و اخبار دریافتی نشان می‌دهد که دولت و وزیر سابق به توافقاتی رسیده بودند که باعث می‌شد سازمان تامین اجتماعی ۸۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات سازمان را بی خیال! شده و فقط ۱۰۰ هزار میلیارد تومان را مطالبه کند. اما همین مقدار مطالبه هم می‌تواند سال‌ها به طول بیانجامد و وصول نشود، کما اینکه از ۳۵ سال گذشته تاکنون در حد مطالبه مانده و وصول نشده است، و در نهایت اتفاق خاصی هم رخ ندهد و فقط بدهی بر بدهی افزوده شود. پس باید به سوال اصلی باز گردیم و پرسیم، شستا هم اکنون با استناد به ادعای مدیران آن و نه منابع مستقل در چه وضعیتی است؟»^۱

| مخالفان استیضاح | موافقان استیضاح |
|---|--|
| <p>- مسعود پزشکیان: پنج سال است که آقای ربیعی وزیر است و ما شاهد این اعتراضات جلوی وزارتخانه نیستیم. این نشان می‌دهد که وزیر مشکل کارگری را در این وضعیت اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و گرانی حل کرده است.</p> <p>- امروز و مشکلات موجود حاصل فضای اقتصادی است. آیا آقای ربیعی مقسر است؟</p> | <p>- حسن نوروزی: وزیر کار باید به دهها مورد بحث تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی، خدمات درمانی، شستا، تعاونی‌ها و بیمارستان‌های تامین اجتماعی رسیدگی کند، خودتان انصاف داشته باشید، آیا درست مدیریت کرده‌اید؟</p> <p>- هدایت‌الله خادمی: باید با عدد و ارقام بگوییم که سطح رفاه مردم چقدر ارتقا پیدا کرده و برای کار و اشتغال چه اتفاقی افتاده است. جز ریزش نیرو و تعطیلی کارخانه‌ها در پنج سال گذشته چه شده است. اوضاع معیشتی مردم خراب است و صندوق بازنشستگی ورشکسته است.</p> <p>- هاجر چنارانی: قرار بود مدیریت اقتصادی در شستا برقرار شود و ۶۰ درصد آن به تامین اجتماعی واگذار شود اما تنها ۱۰ درصد واگذار شد. آن هم در شرایطی که فردی در حوزه مدیریت شستا ۲۷ سمت دیگر دارد.</p> |

نمونه‌هایی از نظرات نمایندگان موافق و مخالف استیضاح

۱. «ربیعی رفت، با میراث ربیعی چه کنیم؟»، ۱۳۹۷/۵/۱۸، خبرگزاری تسنیم.

بحران تامین اجتماعی و شستا

بحران تامین اجتماعی و شستا و صندوق‌های بازنشستگی موضوعی بود که در جلسه استیضاح مطرح شد و رسانه‌ها نیز به آن توجه داشتند:



«علی ربیعی با عدم انتخاب مدیران شایسته برای شستا و البته مسدود نکردن دخالت‌های سیاسی در امور داخلی آن؛ باعث شد تا وضعیت شستا از مشکل‌دار بودن به بحران برسد. انتخاب ۵ مدیر در ۵ سال توسط ربیعی برای شستا نشان می‌دهد که دخالت‌های بی‌حساب در شستا و واگذاری شرکت‌ها به اشخاص بی‌کفایت، یا آنگونه که نمایندگان معترض در استیضاح می‌گفتند بده‌بستان در واگذاری شرکت‌ها به متنفذین؛ باعث ناکارآمدی شستا؛ که امید عملیاتی بازنشستگان برای دریافت حقوق‌شان است، شد. ضمن اینکه رکود بی‌سابقه در اقتصاد هم بر گرفتاری‌های سازمان تامین اجتماعی افزود، زیرا با افزایش بیکاری و کاهش اشتغال از تعداد حق بیمه دهنده‌ها کاسته شد و ورودی سازمان را کاهش جدی داد. این همان نقطه‌ای است که ادعای ربیعی در جلسه استیضاح را به طور خودکار رد می‌کند که وزیر سابق مدعی افزایش میزان اشتغال شده بود. میراث‌دار علی ربیعی باید شستا و کلیت سازمان تامین اجتماعی را از سیاسی‌کاری نجات داده و به تخصصی‌سازی که تعهد و سلامت آنها در عمل اثبات شده است واگذار کند. در غیر اینصورت با ناتوان شدن سازمان تامین اجتماعی از عمل به تعهداتش؛ دولت باید عهده‌دار امر شده و بحران دیگری را در بودجه دولت و چند میلیون بازنشسته سازمان تامین اجتماعی شاهد خواهیم بود. تا پایان آذر ۱۳۹۶، ۵ میلیون و ۹۴۸ هزار نفر مستمری بگیر اصلی و تبعی تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی بوده و از خدمات این سازمان استفاده کرده‌اند. عددی که بیش از ۲٫۵ برابر تعداد کارمندان دولت است»^۱.

تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت: نمود یک تعارض

اما یکی دیگر از موضوعاتی که در جریان استیضاح ربیعی در فضای رسانه‌ای مطرح

شد، تعارض میان منافع سازمان تأمین اجتماعی و وزارت بهداشت بود. تعارضی که چند سالی است مطرح شده و فضای استیضاح ربیعی را هم تحت تأثیر قرار داد. اجرای طرح تحول سلامت این درگیری را به نقطه اوجش رساند. شرق در گزارشی که فردای استیضاح ربیعی منتشر کرد در این باره نوشت:



«از یک سو سازمان تأمین اجتماعی به عنوان خریدار خدمات وزارت بهداشت با افزایش هزینه‌ها روبه‌رو بود و در سمت مقابل، وزارت بهداشت نیز تمام تلاش خود را برای در اختیار گرفتن منابع درمانی این سازمان به کار گرفته بود. این جدال خواه ناخواه به کابینه نیز رسیده و بر اساس شنیده‌ها، چندباری به تقابل جدی ربیعی و قاضی‌زاده‌هاشمی در جلسات هیئت دولت منجر شده بود.

ربیعی به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اگرچه حاضر نبود از مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و شرکت شستا دل بکند و حرکتی جدی برای مستقل کردن این صندوق بازنشستگی از بدنه دولت انجام دهد، اما به ناچار در مقابل خواسته‌های وزیر بهداشت مقاومت می‌کرد و البته در این نبرد پنهان و آشکار توان کمتری هم داشت. وزارت بهداشت به مدد وزارت قاضی‌زاده‌هاشمی و اعتباری که نزد روحانی داشت و البته لابی گسترده در مجلس شورای اسلامی، نه تنها موفق شد سال گذشته و در جریان تصویب لایحه بودجه منابع درمانی تأمین اجتماعی را در روندی عجیب و غریب به خزانه کشور متصل کند، بلکه همین امروز نیز برای دست یافتن به مراکز درمانی‌ای که در حال حاضر زیر نظر وزارت کار هستند، تلاش‌هایی جدی را در دستور کار قرار داده است؛ تلاش‌هایی که در صورت انتخاب وزیری همراه و همدست، می‌تواند به نتیجه برسد. فراموش نکنیم سال‌هاست سازمان تأمین اجتماعی به دست مدیرانی برخاسته از نظام پزشکی مدیریت می‌شود و برداشتن قدم‌های آخر برای کنترل کامل منابع درمان این سازمان، کار سختی نخواهد بود!»

سایت تابناک نیز پیش از استیضاح ربیعی به اختلاف میان او و وزیر بهداشت پرداخته و نوشته بود:

« خبرها از نقش و رایزنی پشت پرده یک وزیر پولدار کابینه برای استیضاح ربیعی حکایت می کند، علت نیز اختلاف این دو وزیر بر سر تامین اجتماعی است، این وزیر خواهان تعیین رئیس سازمان تامین اجتماعی با نظر خود است^۱. »

تابناک در گزارشی دیگر به همین موضوع پرداخته بود:

« گفته می شود برخی از درون دولت دنبال این هستند که سازمان تأمین اجتماعی را در اختیار خود بگیرند و درآمدهای ناشی از فعالیت آن را صرف برخی افراد و هزینه‌هایی کنند که پرداخت آن تا الان هم برای خیلی از مردم گران تمام شده و موجب نارضایتی آنان شده است و البته قشر خاصی را دارای جایگاه و مرتبتی کرده است^۲. »

سلامت‌نیوز نیز در قالب گزارشی با عنوان «فرمول جدیدی که وزیر کار را دوباره به مجلس کشاند» به اختلافات تامین اجتماعی و بیمه سلامت اشاره کرد. در بخشی از این گزارش، به صحبت‌های خالقی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اشاره شده که در گفتگویی با روزنامه صبح‌نو گفته بود:

« منابع تامین اجتماعی از طریق پول کارگران و بیمه سلامت از طریق بودجه دولت تامین می‌شود، بحث‌های زیادی در گرفته که باید در این مورد گفت موضوع از آنجایی شکل گرفت که موضوع باز کردن حسابی برای نگهداری سهم پول درمان بیمه سلامت و تامین اجتماعی به اسم تامین اجتماعی در خزانه امانت بود، یعنی وزیر تعاون به عنوان مسئول تامین اجتماعی عر لحظه که مراجعه کرد امکان برداشت از این حساب را داشته باشد درحالی که وزیر بهداشت نمی تواند هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن داشته باشد^۳. »

اگرچه دولت اختلافات درونی‌اش را رد می کند اما به هر حال تضاد میان وزارت کار و وزارت بهداشت موضوعی است که بسیاری از رسانه‌ها به آن پرداختند.

۱. هادی شریفی، «افشای نقش یک وزیر در استیضاح ربیعی»، ۱۳۹۷/۵/۱۴، سایت تابناک.

۲. «همه ابهامات یک استیضاح: قربانی کردن ربیعی، تصمیم جمعی یا باندی؟»، ۱۳۹۷/۵/۱۴، سایت تابناک.

۳. «فرمول جدیدی که وزیر کار را دوباره به مجلس کشاند»، ۱۳۹۷/۵/۱۵، سلامت‌نیوز.

شستا، کلیدواژه استیضاح

در جلسه استیضاح ربیعی، آنچه حتی فراتر از جهت گیری های سیاسی قرار داشت، منافع اقتصادی بود که چهره های مختلفی از دو جناح سیاسی کشور را به هم پیوند می زد. در میان افشاگری های نمایندگان و وزیر علیه یکدیگر، شستا کلیدواژه ای بود که بارها تکرار شد. گزارش شرق درباره نقش شستا در استیضاح نوشت:



«در جلسه روز گذشته و در میان بگم بگم ها و گفتم گفتم های نمایندگان و ربیعی نیز باز این صندلی های مدیریتی شستا بودند که به موضوع اصلی افشاگری ها تبدیل شدند. افشاگری هایی که همه در تأیید این حقیقت مهم انجام شدند که شستا، بیشتر از آنکه شرکتی برای حفظ سرمایه های کارگران کشور باشد، محلی برای دادوستد و زدوبند های سیاسیون بوده و هست. حقیقتی که هیچ کدام از نمایندگان موافق و مخالف ربیعی حاضر نشدند به آن اشاره کنند و البته حاضر نیستند به آن پایان بدهند^۱».

پس از استیضاح: سازمان تامین اجتماعی و اختلافات دو وزارتخانه
انتصاب انوشیروان محسنی بندپی به عنوان سرپرست وزارت کار، بار دیگر بحث تضاد منافع میان وزارت کار و خاصه تامین اجتماعی را با وزارت بهداشت به میان کشید. این انتصاب چندان با فضای رسانه ای اصلاح طلبان سازگار نبود چرا که مثلاً پیش از این انتصاب داریوش قنبری در یادداشتی با عنوان «هشدار مجلس به دولت» که در روزنامه اعتماد منتشر شده بود از ضرورت انتخاب مدیری «اقتصاددان» صحبت کرده بود^۲ در حالی که با انتصاب محسنی بندپی صحبت از پزشکی سازی در وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی دوباره مطرح شد:



«نگاهی به سوابق محسنی بندپی به خوبی نشان می دهد که او تا چه اندازه عضو مؤثری در جامعه پزشکی کشور بوده و هست و انتخاب او به عنوان سرپرست وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی چه معنایی دارد^۳».

۱. «دو چهره استیضاح»، ۱۳۹۷/۵/۱۸، روزنامه شرق.

۲. داریوش قنبری، ۹۷/۵/۱۸، روزنامه اعتماد.

۳. «پزشکی سازی در وزارت کار»، ۹۷/۵/۲۱، روزنامه شرق.

اگرچه رسانه‌های اصولگرا نیز به دلیل سابقه سیاسی بندپی که به عنوان چهره‌ای اصلاح‌طلب شناخته می‌شود از حضور او چندان استقبال نکردند، اما آنچه از این موضع‌گیری سیاسی بااهمیت‌تر بود نزدیکی بندپی به وزارت بهداشت است. کارشناسان حوزه کار و تامین اجتماعی در این سال‌ها بارها درباره تعارض منافع میان وزارت کار و مشخصاً سازمان تامین اجتماعی با وزارت بهداشت هشدار داده‌اند و حضور چهره‌هایی از جامعه پزشکی در مقام ریاست سازمان تامین اجتماعی را از مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری سازمان تامین اجتماعی در مناقشات درازدامنش با وزارت بهداشت دانسته‌اند. شرق در گزارش ۲۱ مردادش نوشت:



«اما همین سابقه بهداشت و درمانی بندپی است که به مهم‌ترین پاشنه آشیل او برای تصدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبدیل می‌شود... قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت که بارها در سخنان خود با کنایه و در لفافه این وزارتخانه را تنها متولی درمان در کشور معرفی کرده، در عمل نیز تلاش‌هایی را برای دراختیار گرفتن مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی انجام داده است. منابع درمانی این سازمان که شامل یک‌سوم حق بیمه‌های پرداختی کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی می‌شود، نیز یکی دیگر از موارد اختلاف شدید بین وزارت کار و وزارت بهداشت بوده و هست. در چنین شرایطی انتخاب وزیری از جامعه پزشکی برای وزارت کار را می‌توان یک پیروزی بزرگ دیگر از طرف وزارت بهداشت برای تصاحب این منابع و مراکز قلمداد کرد»^۱.

روزنامه جوان نیز بعد از استیضاح ربیعی در گزارش «کار روحانی را مجلس کرد» با اشاره به موضوع اختلافات میان سازمان تامین اجتماعی و وزارت بهداشت نوشته بود که «برخی خبرهای دیگر نیز حاکی از آن بود که دولت برای دفاع از ربیعی اراده جدی نداشت»^۲.

این مسئله در فضای مجازی نیز محل بحث قرار گرفت. مثلاً تقی دژاکام،

۱. همان.

۲. «کار روحانی را مجلس کرد»، روزنامه جوان، ۹۷/۵/۱۷.

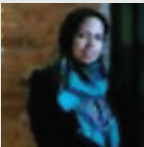
فعال رسانه‌ای اصولگرا بعد از استیضاح ربیعی در توییتی نوشت: «خب الحمدالله مافیای نهفته در وزارت بهداشت از امروز یک نفس راحت کشید. موی دماغ حذف شد!». محمد مساعد، خبرنگار اصلاح‌طلب نیز در توئیتش نوشت: «وزارت بهداشت چند سال است به دنبال تصاحب مراکز درمانی، بیمارستان‌ها و یک‌سوم حق بیمه‌های کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی است. با معرفی بندپی به عنوان سرپرست وزارت کار، حالا هم وزارت کار و هم تامین اجتماعی توسط پزشکان اداره می‌شوند. یک قدم دیگر به سمت نابودی تامین اجتماعی.»



#وزارت_بهداشت چند سال است به دنبال تصاحب مراکز درمانی، بیمارستان‌ها و یک‌سوم حق بیمه‌های کارگران تحت پوشش #تامین_اجتماعی است. با معرفی #بندپی به عنوان سرپرست #وزارت_کار، حالا هم وزارت کار و هم تامین اجتماعی توسط پزشکان اداره می‌شوند. یک قدم دیگر به سمت نابودی تامین اجتماعی.

توثیتی که پس از انتصاب محسنی‌بندپی در انتقاد از عملکرد وزارت بهداشت منتشر شد.

صبا آذریک دیگر خبرنگار اصلاح طلب نیز در توثیتش نوشت: «این افتضاح که لیدرهای استیضاح ربیعی شب قبل اعلام وصول استیضاح مهمان وزیر بهداشت بودند و فردا صبح بدون آنکه سوال از ربیعی در کمیسیون اجتماعی بررسی شده باشد به صحن آمده، آبروی هیات رییسه مجلس و نماینده کاسب و قاضی‌زاده را برد.»



این افتضاح که لیدرهای استیضاح #ربیعی شب قبل اعلام وصول استیضاح مهمان وزیر بهداشت بودند و فردا صبح بدون آنکه سوال از ربیعی در کمیسیون اجتماعی بررسی شده باشد به صحن آمده، آبروی هیات رییسه #مجلس و #نماینده_کاسب و #قاضی‌زاده را برد.

توثیتی پیش از استیضاح ربیعی که خبر از دخالت وزارت بهداشت در استیضاح می‌دهد.

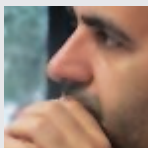
از استیضاح به افشاگری

اما بخش زیادی از واکنش‌ها در رسانه‌های مجازی مربوط به افشاگری‌های جلسه استیضاح بود. بعد از استیضاح #رشوه و #افشاگری به کرات در

توثیتهای کاربران دیده می‌شد. محمدرضا جوادی‌یگانه در توثیتی نوشت: «بزرگترین تهدید پیش روی جمهوری اسلامی نه براندازی است نه حمله خارجی، فساد سیستماتیک است که همه اجزایش را درگیر کرده. نگاه کنید به ادعاهای جلسه استیضاح وزیر کار: خیریه، دولت و مجلس متهم به هر نوع فساد شدند. با این وضع، آینده محتمل، مشابه سقوط صفویه است و راه حل در شفافیت کامل».

@javadimr

M. R. Javadi Yeganeh



بزرگترین تهدید پیش روی جمهوری اسلامی نه براندازی است نه حمله خارجی. #فساد_سیستماتیک است که همه اجزایش را درگیر کرده. نگاه کنید به ادعاهای جلسه استیضاح وزیر کار: خیریه، دولت و مجلس متهم به هر نوع فساد شدند. با این وضع، آینده محتمل، مشابه سقوط صفویه است و راه حل در #شفافیت کامل.

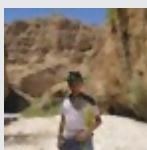
نمونه‌ای از توثیتهای پربازدید در واکنش به افشاگری‌های استیضاح.

مصطفی تاجزاده در توثیتی نوشت: «جلسه استیضاح ربیعی در مجلس سقوط سیاست‌ورزی را در جمهوری اسلامی به رخ همگان کشید. علت‌العلل این ابتذال نظارت استصوابی است که با ایجاد مانع در راه برگزاری انتخابات آزاد اجازه نمی‌دهد که مردم خود شایسته‌ترین‌ها را برگزینند». محمد مساعد، خبرنگار اصلاح‌طلب در دو توثیت نوشت: «غیرقابل‌تحمل‌ترین اتفاق جلسه استیضاح ربیعی افشاگری‌های نمایندگان علیه یکدیگر و وزیر نبود. غیرقابل‌تحمل این بود که همین افراد وسط ذکر افتضاحات و فسادهای یکدیگر، از درد کارگران، بیکاری جوانان و فقر بانزشتگان هم سخن می‌گفتند و از این تناقض دچار مصدومیت نمی‌شدند!». «تمام دعوی وزارت کار، تمام این قسم‌ها و آیه‌ها و ناله‌ها که امروز در استیضاح ربیعی شنیدید بر سر شستا است که نه مال دولت است نه مال مجلس. غیردولتی است و ریال به ریال و خشت به خشتش با حق‌بیمه کارگران ساخته شده. ما را به خیر شما امید نیست تامین اجتماعی را به کارگران پس بدهید».

مهدی قدیمی، خبرنگار پارلمانی در توثیتی نوشت: «استیضاح وزیر کار احمدی‌نژاد، شد جلسه معروفی که فیلم فاضل لاریجانی توش اکران شد و کلی فساد از دلش ریخت بیرون. جلسه استیضاح این وزیر کار، شد معرکه «کی چی گرفته؟» صدتا وزیر دیگه هم بیاد، اونجا مخزن رانته. بعضیا هم واسه انتخابات ۱۴۰۰ براش کیسه دوختن. اونجا رو درست کنید، هی وزیر عوض نکنید.»

@GhadimiMehdi

Mehdi Ghadimi



استیضاح وزیر کار احمدی‌نژاد، شد جلسه معروفی که فیلم فاضل لاریجانی توش اکران شد و کلی فساد از دلش ریخت بیرون. جلسه استیضاح این وزیر کار، شد معرکه «کی چی گرفته؟» صدتا وزیر دیگه هم بیاد، اونجا مخزن رانته. بعضیا هم واسه انتخابات ۱۴۰۰ براش کیسه دوختن. اونجا رو درست کنید، هی وزیر عوض نکنید.

توثیتی پس از استیضاح ربیعی که اشاره‌ای به فسادهای مطرح شده در جلسه استیضاح دارد.

پژمان راهبر در دو توثیت نوشت: «دستور کار امروز مجلس، استیضاح وزیر کار بود اما این جلسه در عمل، تبدیل به محفلی برای افشاگری دو طیف موافق و مخالف استیضاح علیه هم شد. جلسه‌ای با ادعاهای هولناک و البته دو کلمه کلیدی و پر کاربرد: رشوه و آقازاده‌ها! جلسه با استیضاح وزیر به پایان می‌رسد. تصمیمی که از قبل گرفته شده و ارتباط چندانی به محتوای جلسه ندارد. مردم چطور باید به سیستمی اعتماد کنند که مدیرانش چنین مدار کی علیه هم دارند؟» «در یک شرایط عادی، افشاگری‌های امروز می‌توانست مجلس و دولت هر کشوری را به مرز تعطیلی بکشاند. منظور از شرایط عادی، یعنی جایی که در آن پرداخت رشوه و داشتن زن خوب به عنوان یک حقیقت غیرقابل تغییر، پذیرفته نشده است.»



دستور کار امروز مجلس، استیضاح وزیر کار بود اما این جلسه در عمل، تبدیل به محفلی برای افشاکاری دو طیف موافق و مخالف استیضاح علیه هم شد. جلسه‌ای با ادعاهای هولناک و البته دو کلمه کلیدی و پر کاربرد: رشوه و آقازاده‌ها.

توثیقی پس از استیضاح ربیعی و در واکنش به افشاکاری‌های جلسه استیضاح.

البته جدا از جلسه استیضاح بحث درباره تخلفات شستا و تامین اجتماعی در یکی از برنامه‌های صداوسیما با عنوان پایش هم مطرح شد. در برنامه‌ای که امیرحسین کاوه دبیر سندیکای لوله و پروفیل فولادی کشور داشت، او درباره احتکار گفت: «اکنون در شرکت ذوب آهن که زیر مجموعه شستا و تامین اجتماعی است شاهد هستیم که خریده‌ها انحصاری و توسط شرکت پویش بازرگان انجام می شود که این شرکت پویش بازرگان تحت مالکیت خود شرکت ذوب آهن است. وقتی که خریدار انحصاری است و توسط این شرکت صورت می گیرد می بینیم که مدیریت بازار دست خودشان است و هر گونه که بخواهند قیمت‌ها را در بازار کنترل می کنند. اکنون شاهد احتکار مدرن توسط ذوب آهن که زیر مجموعه شستاست هستیم».

تفکیک وزارتخانه: مساله آونگی

لایحه دوفوریتی دولت مبنی بر تفکیک وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به دو وزارتخانه رفاه و تامین اجتماعی و کار و تعاون، یکی دیگر از موضوعات پرتکرار رسانه‌ها در مردادماه بود که هرچند در سایه اخبار استیضاح وزیر قرار گرفت اما با این حال کارشناسان مختلف نظرات خود را درباره تفکیک وزارتخانه ارایه دادند. اگرچه تعداد مخالفان این طرح در رسانه‌ها بیشتر بود و در نهایت هم دوفوریت لایحه در مجلس رای نیاورد، اما با این حال در میان نظرات موافقان تفکیک وزارتخانه نکات قابل تاملی وجود داشت که هنوز هم حایز اهمیت

۱. امیرحسین کاوه، ۱۳۹۷/۵/۲۸، برنامه پایش شبکه ۱ سیما.

هستند. فرشید یزدانی بر اساس نگاهی کارشناسانه از تفکیک وزارتخانه دفاع کرده و حتی معتقد است که این تفکیک باید چند سال زودتر انجام می‌شد. او جنس حوزه اشتغال و رفاه را متفاوت از هم می‌داند و می‌گوید که این ادغام از آغاز اشتباه بود و حوزه‌ها و نهادهای فعال اجتماعی را با چالش روبرو کرد. او معتقد است که اگر این تفکیک انجام شود در حوزه سیاستگذاری اجتماعی شاهد تحولات مثبتی خواهیم بود چرا که وزارت رفاه می‌تواند به عنوان متولی سیاستگذاری اجتماعی نقشی حیاتی در حل تعارضات و آسیب‌های اجتماعی ایفا کند. به اعتقاد او این پتانسیل در چارچوب قانون و ساختار رفاه و تامین اجتماعی وجود دارد. او همچنین بر خلاف کسانی که معتقدند تفکیک وزارتخانه موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن سازمان تامین اجتماعی می‌شود، بر این باور است که اگر وزارت رفاه تشکیل شود بهتر می‌تواند از سازمان تامین اجتماعی دفاع کند و ظلمی که اکنون به این سازمان می‌شود قابل تصور نیست.^۱

در سوی دیگر، مخالفان تفکیک وزارتخانه معتقدند که لایحه دولت بدون کارشناسی اولیه شده و هدف از آن دست‌درازی به سازمان تامین اجتماعی و سلطه وزارت بهداشت بر آن است.

۱. فرشید یزدانی، ۱۳۹۷/۵/۴، خبرگزاری ایسنا.

- مهمترین وظیفه وزارت کار، تنظیم روابط کار است ولی امروز از آن دور شده... لذا معتقدم هر سه حوزه تعاون، کار و رفاه باید از همدیگر منفک و برای رسیدگی بهتر به امور هر حوزه، سه وزارتخانه مستقل تشکیل شود.^۱

- در وزارتخانه فعلی اولویت مسایل کار بوده و رفاه همواره در حاشیه قرار داشته است در حالی که هر چه می گذرد مسایل اجتماعی و رفاهی حادتر می شود.^۲

- وزارت کار جز چالش و تنش چیز دیگری نیست و اگر جدا شود در تنظیم روابط کار موفق تر عمل خواهد کرد و حداقل به نفع کارگران است چون مسایل و مشکلات جامعه کارگری بهتر حل و فصل خواهد شد. وزارت کار هیچ ظرفیتی برای تعاون ندارد و بیشتر ظرفیتها، امکانات و نقدینگی در بخش رفاه و شستا و زیرمجموعه های تامین اجتماعی است.^۳

- امروز در تمام دنیا در حوزه کار آفرینی، ایجاد اشتغال، تنظیم روابط، مناسبات کار و توانمندسازی نیروی کار کشور مسئولیت های مشخصی قائل هستند تا بتوانند در حوزه رفاه و تامین اجتماعی پاسخگوی نیازهای مردم باشند... ما در بحث رفاه و تامین اجتماعی چالش بزرگی داریم، امروز صندوق های بازنشستگی حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه می گیرند تا حقوق و مستمری اعضای خود را بدهند و در کنار آن حدود ۳۵ درصد از منابع مالی در بخش رفاهی به صورت یارانه هزینه می شود. اینها همه چالش های بزرگی است که در این وزارتخانه وجود دارد.^۴

- معمولاً باید از شرکای اجتماعی دعوت کنند تا نظر ما را در چنین مواردی بپرسند اما متأسفانه دولت بدون مشورت با شرکای اجتماعی دست به چنین اقدامی زده.^۵

- نمی توان تامین اجتماعی را که حق بیمه های کارگران و کارفرمایان به آن واریز می شود به وزارتخانه دیگری سپرد. چنین طرح هایی بیشتر با این توجیه که دولت نمی تواند بدهی چند هزار میلیاردی خود به سازمان تامین اجتماعی را پرداخت کند، تصویب می شود و به دلیل آنکه طرح سلامت موفق عمل نکرده و بار سنگینی به لحاظ مالی و اقتصادی بر دوش دولت و وزارت بهداشت گذاشته است، به دنبال تامین منابع طرح از طریق منابع سازمان تامین اجتماعی هستند.^۶

- این یک حمله به سازمان تامین اجتماعی است و موجب می شود منابع این سازمان یکجا برده شده و دولتی شود. با این کار، تامین اجتماعی به راحتی به زیر سیطره وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مجموعه دولت درمی آید.^۷

- تجربه نشان داده دولت هایی که به دنبال تامین منافع خود در سازمان تامین اجتماعی هستند دولت های توانمندی نیستند. دولت تدبیر و امیر نیز با این لایحه دوفوریتی ضدکارگری ترین دولت بعد از انقلاب معرفی خواهد شد. درخواست تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی و وزارت تعاون و کار تیر خلاصی است بر پیکر نزار تامین اجتماعی.^۸

- این تفکیک خلاف قانون است. سازمان تامین اجتماعی باید به دست صاحبان اصلی آن اداره شود و نه بیگانگانی که تنها در پی سودجویی از تامین اجتماعی هستند. اگر دولت به دنبال احیای سازمان تامین اجتماعی است بگذارد آن را صاحبان اصلی اش اداره کنند.^۹

- این تفکیک علاوه بر ایجاد هزینه های گزاف، گامی دیگر بر بزرگ شدن دولت خواهد بود.^{۱۰}

مهم ترین نظرات موافقان و مخالفان تفکیک وزارتخانه

۱. علی اکبر سیارمه، ۱۳۹۷/۵/۲، خبرگزاری ایسنا.
۲. علی ریاضی، ۱۳۹۷/۵/۳، خبرگزاری ایسنا.
۳. عبدالله بهرامی، ۱۳۹۷/۵/۷، خبرگزاری ایسنا.
۴. جمشید انصاری، ۱۳۹۷/۵/۹، خبرگزاری ایسنا.
۵. علی دهقان کیا، ۱۳۹۷/۵/۲، خبرگزاری ایسنا.
۶. فتح الله بیات، ۱۳۹۷/۵/۵، خبرگزاری ایسنا.
۷. غلامرضا طالبی، ۱۳۹۷/۵/۷، خبرگزاری ایسنا.
۸. حسن حبیبی، ۱۳۹۷/۵/۳، خبرگزاری ایسنا.
۹. اکبر قربانی، ۱۳۹۷/۵/۱، خبرگزاری ایسنا.
۱۰. اسماعیل خلیل زاده، ۱۳۹۷/۵/۶، خبرگزاری فارس.

برخی توصیه‌های سیاستی و رسانه‌ای گزارش

آن‌طور که در طول این گزارش نیز اشاره شد، سازمان تامین اجتماعی به عنوان بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌گر اجتماعی و دومین تولید کننده خدمات درمانی در کشور به لحاظ ماهیت فعالیت‌های خود و ارتباط گسترده با طیف وسیعی از جامعه، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم متأثر از بسیاری از فعالیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور می‌باشد و طبیعی است تغییرات این حوزه در اثر تغییر مولفه‌های کلان اقتصادی و اجتماعی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. از این‌رو ضروری است که سازمان ضمن رصد مداوم سیاست‌های اقتصادی کلان، برنامه‌ای مشخص برای رویارویی با بحران‌های احتمالی پیش رو داشته باشد.

بخشی از این بحران‌ها نتیجه فشار اقتصادی فزاینده‌ای خواهد بود که بر بخش صنعت و تولید وارد شده و خواهد شد و یکی از نتایج آن بیکاری فزاینده کارگران و مزدبگیران خواهد بود. از سوی دیگر، وضعیت حاد بخش تولید و صنعت به‌طور مستقیم بر خود سازمان اثرگذار خواهد بود چراکه سازمان تامین اجتماعی امروز یکی از بزرگ‌ترین بازیگران بازار سرمایه و تولید کشور محسوب می‌شود و نقش مهمی در ایجاد اشتغال و توسعه دارد. با افزایش نرخ ارز بخش صنعت و تولید بیش از بخش‌های دیگر تحت‌تأثیر قرار خواهند گرفت و در ماه‌های اخیر نیز بخش صنعت در میان گروه‌های اصلی شاخص قیمت تولیدکننده بیشترین افزایش را تجربه کرده است^۱.

بدون‌شک هرگونه اختلال در ساختار مالی سازمان و به‌طبع ناتوانی آن در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی جامعه باتوجه به دامنه گستره پوشش آن می‌تواند پی‌آمدهای جبران‌ناپذیری برای کل کشور به همراه داشته باشد. امروز و با توجه به پیچیدگی‌های شرایط اقتصادی کشور به خاطر عدم تعادل‌های بودجه‌ای و مالی در بانک‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از یک‌سو، و از سوی دیگر محدودیت‌های ملموس در بخش تجارت خارجی و اثرات تحریم‌ها، توجه به این نکته ضروری است که نظام تصمیم‌گیری در وضعیت فعلی باید متفاوت از تصمیم‌گیری در وضعیت معمول اقتصادی باشد. با توجه به این شرایط چند نکته ضروری به نظر می‌رسند:

۱. «تحلیل تحولات اخیر اقتصاد ایران»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۷/۵/۳.



- سرعت عمل و دقت در تصمیم‌گیری.
- گفتگو با مردم و توجه به افکار عمومی در اتخاذ تصمیمات.
- توجه به سه‌جانبه‌گرایی واقعی.
- توجه به استقلال سازمان.

سرعت عمل و دقت در تصمیم‌گیری

امروز بحران‌های مختلف صندوق‌های بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی بر کسی پوشیده نیست اما به نظر می‌رسد نظام کلان تصمیم‌گیری هنوز شدت این بحران را به خوبی درک نکرده و آن را مربوط به آینده‌ای دور می‌داند. شرایط اقتصادی ایران در چند ماه اخیر فاصله ما تا وقوع واقعی بحران صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای را کوتاه‌تر از هر زمان دیگری کرده و از این‌رو باید با سرعت عمل بیشتری به فکر رودرویی با بحران موجود بود.

گفتگو با مردم و توجه به افکار عمومی در اتخاذ تصمیمات

واکنش مردم در فضای مجازی به جلسه استیضاح علی‌ربیعی، بیش از پیش یک نکته را عیان ساخت و آن اینکه اعتماد مردم به بهبود و اصلاح شرایط فعلی خدشه‌دار شده است. شکی نیست که در شرایطی که کشور به لحاظ اقتصادی در شرایط عادی به سر نمی‌برد، پشتوانه سرمایه‌های اجتماعی و همبستگی لایه‌های مختلف جامعه چقدر در گذار از بحران ضروری است. سازمان تامین اجتماعی بیش از هر نهاد دیگری با مردم در ارتباط است و از این‌رو بیش از دیگران به اعتمادسازی نیاز دارد. با این حال به اعتقاد بسیاری از کارشناسان،



«در شرایط حاضر علامتی که بتواند چنین پیامی را بدهد وجود ندارد. در این شرایط بهترین گزینه که می‌تواند حتی گزینه‌های دیگر را هم موثرتر کند ائتلاف با جامعه است. این ائتلاف با جامعه در وهله اول نیازمند پذیرش اشتباه در برخی سیاستگذاری‌های قبلی و بعد از آن جسارت برگشتن از آنها است. اگر این اتفاق بیافتد آنگاه می‌توان در مورد راهکارهای عملیاتی کاملاً مشخص هم صحبت کرد.»

همچنین توجه به نابرابری‌ها در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی نکته ضروری دیگری است که می‌تواند به شکل‌گیری اعتماد عمومی منجر شود:



«باید در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی به نابرابری‌ها توجه کرد. نابرابری در حال حاضر به شدت افزایش یافته و یک گفتمان غیر اجتماعی در عرصه سیاست‌گذاری حاکم شده است. تولید گفتمان سیاست‌گذاری اجتماعی به خصوص در شرایط بحرانی که در کشور که با آن درگیر هستیم ضرورت دارد و مهمترین اقدام... تولید گفتمان سیاست‌گذاری اجتماعی است که تنها از طریق اطلاع‌رسانی اتفاق نمی‌افتد بلکه باید از طریق سیاست‌گذاری‌های اجتماعی حاصل شود»^۱.

توجه به سه‌جانبه‌گرایی واقعی و استقلال سازمان

جلسه استیضاح ربیعی و همچنین طرح دوفوردیتی دولت برای تفکیک وزارتخانه، بار دیگر مسائلی نظیر فقدان سه‌جانبه‌گرایی واقعی، خدشه در استقلال مالی و اداری و شخصیت مستقل حقوقی، عدم تناسب اختیار و مسئولیت را در سازمان نشان داد. سازمان تامین اجتماعی مبتنی بر اصل سه‌جانبه‌گرایی (کارگر، کارفرما و دولت) شکل گرفته و رشد کرده است. اما در یک دهه اخیر نقش کارگران و کارفرمایان در اداره ارکان عالی سازمان کم‌رنگ شده و نقش دولت غالب شده و انسجام اجتماعی تقلیل یافته است. اصلاحات این سازمان بدون مشارکت و همکاری شرکای اجتماعی و تکیه بر نظر کارشناسان این حوزه قطعا به شکست می‌انجامد.

جلسه استیضاح و افشاگری‌هایی که پای سازمان تامین اجتماعی و شستاراهم به میان کشید، بک‌بار دیگر ضرورت پرهیز دولت از دخالت در امور سازمان و استقلال آن را نشان داد. نباید فراموش کرد که درست زمانی که در جلسه استیضاح نماینده و وزیر به افشاگری علیه هم می‌پرداختند، صاحبان اصلی تامین اجتماعی یعنی کارگران و کارمندان در این فکر بودند که سهم آنها در این میان چیست. جلسه استیضاح همچنین ضرورت تعیین تکلیف با بخش درمان و اختلافات با وزارت بهداشت بر سر طرح بیمه سلامت را هم عیان کرد.

۱. فرشید یزدانی، ۹۷/۵/۲۸، خبرگزاری ایلنا